

بررسی جایگاه و اهمیت ماهوی آب در فقه شیعه

علی نجارپوریان^۱، علی طاهری دهنوی^۲

^۱ استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فرهنگیان شهید چمران تهران

^۲ کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه شیراز

نویسنده مسئول:

علی طاهری دهنوی

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال پنجم)
شماره ۱۷ / پاییز ۱۳۹۸ / ص ۱-۱۴

چکیده

با توجه به بوجود آمدن بحران آب در ایران و جهان، مسئله‌ی رسیدگی به مسائل بحران آب از اهمیت بسزایی برخوردار شده است. با اینکه آب از بدیهیات بوده و از نیازهای اولیه انسان‌ها می‌باشد اما همین بدیهی بودن سبب روزمرگی و به فراموشی سپردن اهمیت آب شده است و به هر کسی اجازه داده تا هرگونه مصرفی و به هر اندازه‌ای از آن داشته باشد. بدون توجه به اهمیت و جایگاه این نیاز اساسی فرهنگ‌سازی ممکن نیست گرچه همه‌ی انسان‌ها کم و بیش به اهمیت آن واقفانند لکن این وظیفه‌ی مهم علوم مختلف است که در تبیین اهمیت و جایگاه آب تلاش و کوشش نماید تا زمینه‌ی حفظ این منبع طبیعی در تک تک افراد جامعه ایجاد و نهادینه شود. از مهم‌ترین این علوم می‌توان به علم فقه به عنوان علم احکام الهی اشاره نمود. پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به پرسش‌هایی از قبیل: «اهمیت و جایگاه آب در فقه چیست؟» و... می‌باشد. درباره‌ی پیشینه‌ی پژوهش باید گفت پژوهش‌هایی کم و بیش مرتبط و گسسته و در زمینه‌هایی خاص هم‌چون علوم قرآن و حدیث مانند اهمیت بحران آب در ایران و جهان و اهمیت آب در قرآن کریم و... انجام شده است اما پژوهشی که بتواند این موضوع را در علم فقه و ادله‌ی آن بررسی نماید کار نشده است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و به این نتیجه رسیده است که آب از جایگاه ویژه‌ای در علم فقه برخوردار است و در دستورات فقهی و ادله‌ی فقهی نمود دارد.

کلمات کلیدی: فقه، قرآن، روایات، آب، بحران

مقدمه

با توجه به گسترش روز به روز فناوری بهره بردن از آب به عنوان اصلی‌ترین و حیاتی‌ترین منبع زیست‌محیطی گسترش یافته است به گونه‌ای که در مصرف آن اسراف فراوان مشاهده می‌شود و هرکس به هر طریقی که می‌تواند از این منبع بهره‌ور شده و توجهی به حفظ آن ندارد فلذا یکی از اهداف مهم علوم مختلف باید فرهنگ‌سازی در این زمینه باشد، از جمله مهم‌ترین این علوم فقه می‌باشد، فقه دارای ابعاد مختلفی بوده که می‌تواند در زمینه‌های عبادی، احکام، عقود و ایقاعات و زیرشاخه‌های آن توجه مکلف را به رعایت دستورات الهی نموده و از طرفی ضمان‌های دنیوی و اخروی را تعیین نماید و از طرف دیگر با ثبوت دستورات، برای جامعه هدف خود یعنی مکلفین فرهنگ‌سازی کند. پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به پرسش‌هایی از قبیل؛ «اهمیت و جایگاه آب در فقه چیست؟» و... می‌باشد. درباره‌ی پیشینه‌ی پژوهش باید گفت پژوهش‌هایی کم و بیش مرتبط و گسسته و در زمینه‌هایی خاص هم‌چون علوم قرآن و حدیث مانند اهمیت بحران آب در ایران و جهان و اهمیت آب در قرآن کریم و... انجام شده است اما پژوهشی که بتواند این موضوع را در علم فقه و ادله‌ی آن بررسی نماید کار نشده است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و به این نتیجه رسیده است که آب از جایگاه ویژه‌ای در علم فقه برخوردار است و در دستورات فقهی و ادله‌ی فقهی نمود دارد.

۱) اهمیت و جایگاه آب در دستورات فقهی

اگر دستورات فقهی را بر اساس عبادات، عقود، ایقاعات و احکام تقسیم نماییم (محقق حلی، ۱۴۱۸ق: فهرست). در مورد اهمیت و کاربرد آب از منظر فقه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱-۱) اهمیت و جایگاه آب در عبادات

از مباحث مرتبط با آب در این بخش می‌توان به کتاب طهارت، کتاب صلاه، کتاب صوم؛ اعتکاف، کتاب امر به معروف و نهی از منکر، کتاب حج و عمره، کتاب خمس و کتاب جهاد اشاره نمود که در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱-۱) کتاب طهارت

در ابواب وضو، غسل، تیمم (تیمم با اعتقاد خوف ضرر آب، تیمم با اعتقاد ضرر آب، تیمم با اعتقاد عدم ضرر آب، تیمم با امکان استعمال آب، تیمم با امکان خرید آب، تیمم با امید دستیابی به آب، تیمم با بذل آب به غیر، تیمم با ترک جستجوی آب، تیمم با تنگی وقت در استعمال آب، تیمم با تنگی وقت در تحصیل آب، تیمم با خوف استعمال آب، تیمم با عدم آب، تیمم با نسیان وجود آب)، آب به عنوان یکی از مطهرات، آب به عنوان رافع نجاسات، انواع آب و پاک‌کنندگی آن، پرتاب تیر برای جستجوی آب و... (فاضل مقداد، ۱۴۰۴ق: ۱/ ۲۸؛ حلی، ۱۴۰۵ق: ۱/ ۱۸؛ ابن داود حلی، ۱۴۱۱ق: ۱/ ۱۵؛ طوسی، بی‌تا-الف: ۱/ ۴۷؛ بحرانی، بی‌تا: ۱/ ۱۷۷؛ نراقی، بی‌تا: ۱/ ۱۱؛ ابن طیفقعی، ۱۴۱۸ق: ۱/ ۱۸؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق: ۱/ ۸۶؛ ابن ادریس حلی، بی‌تا: ۱/ ۱۳۵).

۱-۱-۲) کتاب صلاه

در ابواب شروط نماز از قبیل طهارت با آب، کیفیت نماز از قبیل نماز در گذرگاه آبی، نماز استسقاء کاربرد و تاثیر دارد (طوسی، ۱۳۸۷ق: ۷۰، شهید ثانی، ۱۴۱۲ق: ۱/ ۵۲؛ ابن ادریس حلی، بی‌تا: ۱/ ۳۰۷؛ ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶ق: ۱/ ۵۰۵).

۱-۱-۳) کتاب صوم

در ابواب مبطلات، واجبات، مستحبات و مکروهات آن کاربرد دارد (شهید اول، ۱۴۱۷ق: ۱/ ۲۲۶؛ ابن طیفقعی، ۱۴۱۸ق: ۱/ ۶۳؛ محقق-کرکی، بی‌تا: ۳/ ۵۷؛ علم الهدی شریف مرتضی، ۱۳۸۷ق: ۱/ ۹۲). بحث اعتکاف در این باب بحث بر سر مبطلات است که همان چیزی که (آب) مبطل روزه است اعتکاف را باطل می‌کند (نجفی، بی‌تا: ۱۷/ ۱۶۹؛ محقق کرکی، بی‌تا: ۳/ ۱۰۷؛ علم الهدی شریف مرتضی، ۱۳۸۷ق: ۱/ ۹۹؛ ابن ادریس حلی، بی‌تا: ۱/ ۴۲۵).

۱-۱-۴) کتاب امر به معروف و نهی از منکر

در این بخش می‌توان از امر به حفظ منابع طبیعی و آب و نهی از اسراف در مصارف مختلف آب، نهی از آلوده کردن آب و... یاد کرد (نجفی، بی‌تا: ۲/ ۳۶۵ و ۲۸۶/ ۳۴۳؛ علم الهدی شریف مرتضی، ۱۳۸۷ق: ۱/ ۳۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۲ق: ۱/ ۲۲۴).

۱-۱-۵) کتاب حج و عمره

در باب شرب آب زمزم در هنگام حج، سقایات حجاج، صید آبزیان در مناسک حج، نگاه محرم در آب، استهزاء آب زمزم در این بخش می‌توان تاثیر آب را مشاهده نمود (بحرانی، بی‌تا: ۳۰۴/ ۱۷؛ نجفی، بی‌تا: ۲۰/ ۱۲ و ۳۴۹/ ۱۸ و ۲۰/ ۶۶؛ شهید ثانی، ۱۴۱۲ق: ۱/ ۲۰۳ و ۲/ ۳۲۹؛ سبزواری، بی‌تا: ۱۴/ ۳۹۸).

۱-۱-۶) کتاب خمس

در بحث خروج مروارید از آب می‌توان تاثیر آب را مشاهده کرد (سبزواری، بی‌تا: ۳۷۴/۱۱؛ شهیدثانی، ۱۴۱۲ق: ۱/۱۳۴؛ شهیداول، ۱۴۱۷ق: ۱/۲۵۸؛ محقق‌حلی، ۱۴۰۹ق: ۱/۱۳۳).

۱-۱-۷) کتاب جهاد

منع آب در جهاد (نجفی، بی‌تا: ۶۶/۲۱)، آب بستن در جهاد (ابن‌ادریس‌حلی، بی‌تا: ۷/۲)، ارسال آب بر دشمن (انصاری، بی‌تا: ۲/۹۳؛ شهیدثانی، ۱۴۱۲ق: ۲/۳۹۲) از مواردی هستند که کاربرد آب در موضوع جهاد در فقه به کار رفته است.

۱-۲) اهمیت و جایگاه آب در عقود

از مباحث مرتبط با آب در این بخش می‌توان به کتاب تجارت، کتاب مزارعه و مساقات، کتاب رهن، کتاب اجاره، کتاب وقوف و صدقات، کتاب نکاح، کتاب ضمان و مباحث صلح اشاره نمود.

۱-۲-۱) کتاب تجارت

درباره بیع آب چاه، بیع آب چشمه، بیع آب قنات، بیع آب محرز، بیع آب نهر، بیع آب به مشاهده، بیع کیلی آب، بیع آب به آب، بیع آب قبل حیات، بیع آب متنجس، بیع سلفی آب، بیع ماهی در آب، اسباب تملک انواع آب از قبیل آب باران، آب چاه، آب چشمه، آب عمومی، آب محرز، آب نهر، آب نهر بزرگ، آب نهر کوچک که عبارتند از: اخراج آب چشمه، استخراج آب چاه، انشعاب نهر از آب عمومی، حیات آب عمومی، بیع آلات دسترسی به آب، نبود ربا در بیع آب و... مشاهده نمود (خوانساری، ۱۴۰۵ق: ۵/۲۴۷؛ محقق‌کرکی، بی‌تا: ۷/۵۳؛ حسینی عاملی، بی‌تا: ۱۲/۱۵۲ و ۱۴/۵۶۱؛ شهیدثانی، ۱۴۱۲ق: ۱/۳۷۴ و ۷/۱۸۴؛ ابن‌ادریس‌حلی، بی‌تا: ۲/۳۳۷ و ۳۸۴).

۱-۲-۲) کتاب مزارعه و مساقات (حلی، ۱۴۰۵ق: ۱/۲۹۹؛ فاضل‌قطیفی، بی‌تا: ۱/۶۲؛ قمی، بی‌تا-الف: ۲/۲۱۶؛ بیهقی‌کیدری، ۱۴۱۶ق: ۱/۲۷۰).

۱-۲-۳) کتاب اجاره

اجاره آب به صورت ساعتی، روزانه، فصلی، اجاره زمین زراعتی به شرط وجود آب، اجاره بر حیات مباحات و... (میرزای‌قمی، بی‌تا: ۳/۴۴۵؛ بهبانی، بی‌تا: ۱/۱۱۶؛ نوری‌همدانی، ۱۳۷۳: ۱/۴۳۴).

۱-۲-۴) کتاب وقف (وقف آب چاه، قنات، نهر و...) و صدقات (فاضل‌موحدی لنکرانی، ۱۳۸۳: ۱/۳۱۹؛ قمی، بی‌تا-الف: ۱/۲۳۲؛ خمینی و سایر مراجع، بی‌تا: ۲/۶۵۳؛ اراکی، ۱۳۷۱: ۱/۵۵۸؛ میرزای‌قمی، بی‌تا: ۴/۱۰۹ و ۱۶۰؛ خمینی، ۱۳۸۵: ۲/۲۳۲).

۱-۲-۵) کتاب نکاح

در بحث مهریه که می‌تواند آب و زمین زراعی و یا چاه آب یا قنات و... باشد (فاضل‌موحدی لنکرانی، ۱۳۸۳: ۱/۳۹۳).

۱-۲-۶) کتاب ضمان

در مورد ضمان ارسال آب (شهیدثانی، ۱۴۱۲ق: ۱/۳۷۴ و ۷/۳۳؛ ابن‌ادریس‌حلی، بی‌تا: ۲/۴۹۴؛ حسینی عاملی، بی‌تا: ۱۴/۳۵؛ محقق‌اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ۱۰/۵۰۲).

۱-۲-۷) کتاب رهن

رهن آب در مصارف مختلف، رهن آب جهت پرورش ماهی، رهن ماهی در آب و... (حسینی عاملی، بی‌تا: ۵/۸۳؛ شهیدثانی، بی‌تا: ۴/۲۳؛ عاملی، بی‌تا-الف: ۳۰/۱۲۳؛ طباطبائی‌مجاهد، بی‌تا: ۱/۷۵۳).

۱-۲-۸) صلح

در مباحث نزاع بر سر آب و ایجاد صلح بر اساس مبانی فقهی (خمینی، ۱۳۸۵: ۱/۵۶۲، مسأله ۵).

۱-۲-۹) کتاب جعاله

در بعضی از احادیث و برخی از کتب اعمالی که مرتبط با آب است به صورت بررسی مورد جعاله قرار گرفتن بررسی شده است مانند استفاده از حمام، حجامت و... (طوسی، ۱۴۰۱ق: ۶/۳۱۴؛ طحاوی، ۱۴۱۴ق: ۴/۱۲۹).

۱-۳) ایقاعات

کتاب نذر

از باب نذر آب برای مناطقی که آب نیازمندند و یا نذر آب جهت سقایت، نذر ساخت آب انبار، نذر در موارد عبادی مثلاً نذر کند که با آب مضاف وضو بگیرد و... (فاضل‌موحدی لنکرانی، ۱۳۸۱: ۶/۳۰۵؛ خمینی، ۱۳۷۲: ۲/۴۷۳؛ کاشف‌الغطاء، بی‌تا: ۲/۱۰۳).

۱-۴) احکام

از مباحث مرتبط با آب در این بخش می‌توان به کتاب صید و ذباحت، کتاب اطعمه و اشربه، کتاب غصب و کتاب احیاء موات اشاره نمود.
۱-۴-۱) کتاب صید و ذباحت از باب تذکیر موجودات آبزی و شرایط آن، شرایط صید آبزیان، دادن آب به حیوان پیش از ذبح آن و... (قطان حلی، بی‌تا: ۲/ ۴۳۹؛ حلی، ۱۳۹۴ق: ۱/ ۴۷؛ شهیدثانی، بی‌تا: ۱۱/ ۴۰۵).

۱-۴-۲) کتاب اطعمه و اشربه در مورد آب مورد استفاده در طبخ، آب مورد استفاده برای شرب، طهارت آب مضاف از میوه‌ها، جوشش آب میوه، دعا هنگام شرب آب، مکیدن آب، میل به آب، آشامیدن بدون اشتها و... (شیخ بهایی، ۱۴۲۹ق: ۷۷۹؛ نجفی، بی‌تا: ۳۶/ ۵۰۷؛ محدث‌نوری، ۱۴۰۸ق: ۴/ ۳۰۷؛ مغربی، ۱۳۸۵ق: ۲/ ۱۲۸؛ نراقی، ۱۴۱۵ق: ۱۵/ ۱۷۴؛ ابن‌ادریس حلی، بی‌تا: ۳/ ۱۳۵؛ طوسی، بی‌تا: ۱/ ۵۹۳).
۱-۴-۳) کتاب غصب، وضو با آب غصبی، طهارت با آب غصبی، غصب آب از زمین دیگری و... (محقق سبزواری، بی‌تا: ۱/ ۹۵؛ آملی، ۱۳۸۰: ۳/ ۳۸۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۲ق: ۳/ ۳۷؛ مجلسی دوم، ۱۴۱۲ق: ۵۶۳؛ بهجت گیلانی فومنی، ۱۴۲۶ق: ۱/ ۱۰۵؛ نراقی، ۱۴۲۲ق: ۷۴؛ طباطبایی-حکیم، ۱۴۱۶ق: ۹۷).

۱-۴-۴) کتاب احیاء موات؛ احیای چاه و نهر (سبزواری، بی‌تا: ۲۳/ ۲۵۳؛ طباطبائی قمی، بی‌تا: ۹/ ۱۵۷؛ علامه حلی، ۱۴۰۰ق: ۲/ ۴۰۴؛ مامقانی، بی‌تا: ۱/ ۴۷)، احیای معادن برخی از فقها آب را از معادن ظاهریه می‌دانند از جمله شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۸۷: ۳/ ۲۷۴)، ابن‌ادریس حلی (ابن‌ادریس حلی، بی‌تا: ۱/ ۴۸۴)، محقق کرکی (محقق کرکی، ۱۴۱۰ق: ۷/ ۴۱). حیات مباحات (شهیدثانی، ۱۴۱۲ق: ۷/ ۱۸۴ و ۱۸۷؛ حسینی عاملی، بی‌تا: ۱۴/ ۵۶۱؛ شهیدثانی، بی‌تا: ۱۲/ ۴۴۶).

۲) اهمیت و جایگاه آب در ادله فقه

۱-۲) قرآن کریم

آب از جایگاه والایی در اندیشه اسلامی برخوردار است در آیات و روایات درباره‌ی اهمیت آب بحث‌های مفصلی شده است، به طوری که ۲۲۲ مرتبه کلمه آب در ۷۱ سوره از ۱۱۴ سوره قرآن تکرار شده است. سوره‌ای که کلمه‌ی آب بیشتر در آن تکرار شده سوره اعراف است با ۱۱ بار تکرار کلمه آب که در پایان آن باید به «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا» توجه بیشتری داشته باشیم، سوره‌ای که بیشترین آیات مربوط به آب را دارد سوره شعراء با ۱۰ آیه است (متقی نیکو، ۱۳۹۳: ۱۹). خداوند در آیات سوره‌های؛ اعراف: ۵۰، ابراهیم: ۱۶، واقعه: ۶۸، کهف: ۲۹، محمد: ۱۵ به قداست و اهمیت آب اشاره کرده است. در این آیات ارزش دنیوی و اخروی آب به عنوان نعمت خداوند مورد اشاره قرار گرفته و جزء یکی از پاداش‌های بهشت می‌باشد. آب در دین اسلام از اهمیت بسزایی برخوردار است چنانکه در روایات، ادعیه و معجزات پیامبر (ص) در تبیین ارزش دنیوی و در روایات به پاداش و عقاب اخروی از آن بحث شده است.

۱-۲-۱) قداست آب

خداوند در آیات سوره‌های اعراف آیه ۵۰، ابراهیم آیه ۱۶، واقعه آیه ۶۸، کهف آیه ۲۹، محمد آیه ۱۵ به قداست و اهمیت آب اشاره کرده است. در این آیات ارزش دنیوی و اخروی آب به عنوان نعمت خداوند مورد اشاره قرار گرفته و جزء یکی از پاداش‌های بهشت می‌باشد.

۲-۱-۲) استفاده نادرست از آب مصداق فساد است

در متون اسلامی از ایجاد فساد در زمین نهی شده است، از آنجا که خداوند فساد و فسادکنندگان را دوست ندارد، استفاده نادرست از آب و دیگر مواهب طبیعت را دوست ندارد، چنانکه خداوند فرموده است: «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره: ۲۰۵) خداوند فساد را دوست ندارد. منظور از فساد در آیه مورد اشاره، فساد تکوینی و آنچه در گردش زمان فاسد می‌شود نیست، زیرا پاره‌ای از فسادها هست که دست کسی در آن دخالت ندارد، عالم، جای کون و فساد و تنازع در بقا است، هیچ موجودی پدید نمی‌آید، مگر بعد از آنکه موجودی دیگر تباه می‌شود و هیچ جاننداری پدید نمی‌آید، مگر پس از آنکه جاندارانی بمیرند و این کون و فساد و حیات و مرگ در این موجودات طبیعی و در این نشاء طبیعت زنجیروار و از پشت سرهم قرار دارند و این نوع فساد توسط خداوند صورت می‌گیرد، از این رو منظور از فساد که خدا آن را دوست ندارد، این نوع فساد نیست، بلکه منظور از فساد در این آیه فسادهای تشریعی، یعنی فسادهایی است که دست بشر پدید می‌آورد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲/ ۹۶). بدیهی است که استفاده نادرست از آب و دیگر مواهب طبیعت فساد می‌باشند. برخی با استناد به آیه یاد شده (بقره: ۲۰۵) گفته‌اند: «تخریب در محیط زیست نمونه آشکار فساد است زیرا نقطه‌ی مقابل اصلاح و صلح یعنی سازگاری در نظام طبیعت است. از دیدگاه اسلام فساد عام است و مقابله در برابر فساد راز بقای دین و انسانیت و نظام طبیعت تلقی شده است. قرآن تباهی امت‌های گذشته را نتیجه عدم برخورد خردمندان با فسادانگیزی می‌داند (بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵: ۲/ ۵۷۶). خداوند در آیه دیگری خطاب به قارون فرموده: «وَلَاتَتَّبِعِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (قصص: ۷۰) و در زمین فساد نکن که خدا فسادکنندگان را دوست

ندارد. از آنجا که برخی از مفسران ظلم و ستم و بدی کردن به دیگران را از مصادیق فساد برشمرده‌اند (زحیلی، ۱۴۱۸ق: ۲/ ۱۶۱). می‌توان استفاده نادرست از آب و دیگر مواهب طبیعت را به دلیل آن که مستلزم ظلم به دیگر انسان‌ها و موجودات زنده است، فساد تلقی کرد که این آیه و دیگر آیات از آن نکوهش می‌کنند. بی‌شک، آلوده کردن آب‌ها و در نتیجه کشتن انواع موجودات زنده و نیز نابود کردن بستر زیست بسیاری از آبزیان و محروم کردن آدمیان از این نعمت‌ها، از مصادیق روشن پدیدآوردن فساد در خشکی و دریا است (حیدری نراقی، ۱۳۸۸: ۸۹). تصرفاتی که موجب تخریب محیط زیست و نابودی و فساد در زمین، از جمله آب شوند، با اهداف آفرینش مخالف هستند (روم: ۴۱). خداوند فرموده: «خداوند کسانی را که در نابودی نسل و مزارع تلاش می‌کنند را ظالم و کارشان را فساد در زمین می‌داند» (بقره: ۲۰۵) از همین روی برخی از فقها با استناد به آیه اخیر وجوب حفظ نباتات را نتیجه گرفته‌اند (حسینی شیرازی، ۱۴۲۰ق: ۲۴). بدیهی است که از جمله اشکال آسیب زدن به زمین، استفاده بی‌رویه و غیر بهینه از آب می‌باشد، زیرا این امر حیات همه جانداران، از جمله انسان‌ها را به خطر می‌اندازد.

۲-۲) اهمیت دنیوی آب در روایات

آب سبب حیات طولانی و زنده شدن مردگان است چنانکه از ابراهیم بن ابی‌یحیی المدنی از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند: «در اول خلافت عمر یک نفر از اولاد هارون از امیرمؤمنان علی (ع) پرسید: اولین درختی که در زمین رویید... اما اولین چشمه‌ای که جوشید: یهود می‌گویند چشمه‌ای است که از زیر سنگ بیت‌المقدس جوشید، دروغ می‌گویند بلکه عین‌الحیاء است که هر کس به آن برسد زنده می‌شود خضر در مقدمه لشکر ذی‌القرنین بود عین‌الحیاء را می‌جست خضر آن را پیدا کرد و خورد ولی ذی‌القرنین پیدا نکرد و موفق به خوردن از آن نشد. آن چشمه (عین‌الحیات) است که موسی و فتی (همراه او) بر آن چشمه ایستادند و با آن‌ها ماهی شوری بود که به آن آب افتاد و زنده شد و هر میتی بر آن آب برسد زنده می‌شود...» (استرآبادی، ۱۴۲۴ق: ۲/ ۵۲۴؛ بحرانی موسوی توبلی، بی‌تا: ۱/ ۲۱۴؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۳ق: ۴۰/ ۶۰). ابن‌فضال از امام رضا (ع) نقل می‌کند که فرمودند: «خضر از آب حیات نوشید تا دمیدن صور نمی‌میرد...» (خرعلی، بی‌تا: ۱۶۳/ ۲؛ غروی، بی‌تا: ۱/ ۱۱۹؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۳ق: ۱۳/ ۲۹۹).

۲-۲-۱) نهی از فساد درباره‌ی آب

در متون اسلامی از ایجاد فساد در زمین نهی شده است، از آنجا که خداوند فساد و فسادکنندگان را دوست ندارد، استفاده نادرست از آب و دیگر مواهب طبیعت را دوست ندارد، چنان‌که خداوند فرموده است: «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره: ۲۰۵)؛ خداوند فساد را دوست ندارد. منظور از فساد در آیه مورد اشاره، فساد تکوینی و آنچه در گردش زمان فاسد می‌شود نیست، زیرا پاره‌ای از فسادها هست که دست کسی در آن دخالت ندارد، عالم، جای کون و فساد و تنازع در بقا است، هیچ موجودی پدید نمی‌آید، مگر بعد از آنکه موجودی دیگر تباه می‌شود و هیچ جاننداری پدید نمی‌آید، مگر پس از آنکه جاندارانی بمیرند و این کون و فساد و حیات و مرگ در این موجودات طبیعی و در این نشاء طبیعت زنجیروار و از پشت سرهم قرار دارند و این نوع فساد توسط خداوند صورت می‌گیرد، از این رو منظور از فساد که خدا آن را دوست ندارد، این نوع فساد نیست، بلکه منظور از فساد در این آیه فسادهای تشریعی، یعنی فسادهایی است که دست بشر پدید می‌آورد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲/ ۹۶). بدیهی است که استفاده نادرست از آب و دیگر مواهب طبیعت فساد می‌باشند. برخی با استناد به آیه یاد شده (بقره: ۲۰۵) گفته‌اند: «تخریب در محیط زیست نمونه آشکار فساد است زیرا نقطه‌ی مقابل اصلاح و صلح یعنی سازگاری در نظام طبیعت است. از دیدگاه اسلام فساد عام است و مقابله در برابر فساد راز بقای دین و انسانیت و نظام طبیعت تلقی شده است. قرآن تباهی امت‌های گذشته را نتیجه عدم برخورد خردمندان با فسادانگیزی می‌داند» (بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵: ۲/ ۵۷۶).

خداوند در آیه دیگری خطاب به قارون فرموده: «وَلَاتَتَّبِعِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (قصص: ۷۰)؛ و در زمین فساد نکن که خدا فسادکنندگان را دوست ندارد. از آنجا که برخی از مفسران ظلم و ستم و بدی کردن به دیگران را از مصادیق فساد برشمرده‌اند (زحیلی، ۱۴۱۸ق: ۲/ ۱۶۱). می‌توان استفاده نادرست از آب و دیگر مواهب طبیعت را به دلیل آن که مستلزم ظلم به دیگر انسان‌ها و موجودات زنده است، فساد تلقی کرد که این آیه و دیگر آیات از آن نکوهش می‌کنند. بی‌شک، آلوده کردن آب‌ها و در نتیجه کشتن انواع موجودات زنده و نیز نابود کردن بستر زیست بسیاری از آبزیان و محروم کردن آدمیان از این نعمت‌ها، از مصادیق روشن پدیدآوردن فساد در خشکی و دریا است (حیدری نراقی، ۱۳۸۸: ۸۹). تصرفاتی که موجب تخریب محیط زیست و نابودی و فساد در زمین، از جمله آب شوند، با اهداف آفرینش مخالف هستند (روم: ۴۱). خداوند فرموده: «خداوند کسانی را که در نابودی نسل و مزارع تلاش می‌کنند را ظالم و کارشان را فساد در زمین می‌داند» (بقره: ۲۰۵)؛ از همین روی برخی از فقها با استناد به آیه اخیر وجوب حفظ نباتات را نتیجه گرفته‌اند (حسینی شیرازی، ۱۴۲۰ق: ۲۴). بدیهی است که از جمله اشکال آسیب زدن به زمین، استفاده بی‌رویه و غیر بهینه از آب می‌باشد، زیرا این امر حیات همه جانداران، از جمله انسان‌ها را به خطر می‌اندازد. با توجه به نقش مهم و حیاتی آب، اسلام آن را مادر نعمت‌ها برشمرده و پیدایش و

رشد گیاهان و درختان و حیات بشر را در پرتو آن دانسته (انبیاء: ۳۰؛ بقره: ۱۶۴) که همه مردم در آن شریک هستند (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۱۷/۱۴).

۲-۲-۲) ارزش اخروی آب

باقیات الصالحات با آب؛ پیامبر خدا (ص) فرمود: «هر کس در بیابان چاه آبی حفر کند و یا حوضی بسازد، ملائکه آسمان بر او درود می‌فرستند و برایش به ازای هر انسان و پرند و یا حیوانی که از آن آب می‌نوشد، ثواب هزار کار نیک مورد قبول واقع شده و ثواب آزاد کردن هزار بنده از فرزندان حضرت اسماعیل (ع) و قربانی کردن هزار شتر نوشته می‌شود و بر خداوند لازم می‌شود که او را در بهشت اسکان دهد» (نوری طبرسی، بی‌تا: ۱۲/۳۸۶؛ بروجردی، ۱۳۷۳: ۱۶/۲۴۶)؛ پیامبر خدا (ص) فرمود: «پنج نفرند که در قبرهایشان هستند در حالی که پرونده‌ی آن‌ها باز و ثواب اعمالشان در آن نوشته می‌شود؛ کسی که نخلی (درختی) بکارد، کسی که چاه آبی حفر کند و کسی که مسجدی بنا نهد و کسی که کتابی (مفید) بنویسد و کسی که بعد از خود فرزندی صالح برجای بگذارد» (مجلسی دوم، ۱۴۰۳ق: ۱۰۴/۹۷؛ مؤسسه البعثه، ۱۴۱۰ق: ۱/۲۴۸)؛ روایت از امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) که فرمود: «هر کس مومنی را سیراب کند در حالی که آن مومن، خود بر تحصیل آب قادر باشد، خداوند به هر نوشیدن آن، هفتاد هزار حسنه بر او عطا کند، اگر در حالی که خود قدرت تهیه آب را نداشته باشد سیرایش کند، مثل این است که ده بنده از اولاد اسماعیل را آزاد کرده است» (حرعاملی، بی‌تا: ۲۵/۲۵۳؛ کلینی رازی، ۱۳۶۵: ۲/۱۶۱)؛ از امام صادق (ع) روایت شده است فرمود: «هر کس در محلی که آب پیدا می‌شود تشنه‌ای را سیراب نماید مانند کسی است که، بنده آزاد کند اگر آب را در جایی که آب پیدا نمی‌شود به کسی برساند، مانند کسی است که نفس را زنده کند و هر کس یک نفر را زنده کند مثل این است که تمامی افراد مردم را زنده کرده است» (حرعاملی، بی‌تا: ۹/۴۷۳؛ کلینی رازی، ۱۳۶۵: ۴/۵۷).

و جوب بهشت؛ امام محمدباقر (ع) فرمود: «عربی پیش آمده عرض کرد: (ای رسول خدا) عملی را به من یاد بده که با به کار بستن آن داخل بهشت شوم! فرمود: اطعام طعام و افشاء سلام کن عرض کرد طاقت آن را ندارم. فرمود: شتر داری؟ گفت: بلی، فرمود: شتری را به کار بگیر (شتری را در نظر داشته باشد) به وسیله آن اهل بیتی را سیراب کن که، آب را نمی‌نوشند مگر یک روز در میان یعنی، هر روز توانائی تهیه آب را ندارند این امید هست تا از بین رفتن، شترت و پاره شدن مشکت، بهشت بر تو واجب شود» (حرعاملی، بی‌تا: ۹/۴۷۳؛ کلینی رازی، ۱۳۶۵: ۴/۵۷)؛ روایت از ابن عباس است که گفت: مردی پیش پیغمبر آمد، پرسید: کدام عمل است که اگر آن را انجام دهم، داخل بهشت می‌شوم؟ فرمود: «مشک نو بخر با آن آب پخش کن، تا جایی که پاره شود، با پاره شدن آن به عملی بهشتی رسیدی» (حرعاملی، بی‌تا: ۹/۴۷۴)؛ پیامبر خدا (ص) فرمود: «هر کس به تشنه‌ای آب دهد و او را سیراب سازد، خداوند یکی از درب‌های بهشت را به روی او می‌گشاید و به او گفته می‌شود: از این درب داخل شو و هر کس به گرسنه‌ای غذا دهد و او را سیر کند و به تشنه‌ای آب دهد و او را سیراب سازد، تمام درب‌های بهشت مقابل او باز شده و به او گفته می‌شود از هر درب که می‌خواهی داخل شو» (ابن اثیر، بی‌تا: ۵/۵۶). امام زین‌العابدین (ع)، امام باقر (ع) و امام صادق (ع) به نقل از رسول خدا (ص) فرمودند: «هر کس به مؤمن تشنه‌ای آب بنوشاند، خداوند به او از شراب ناب بهشتی که هیچ‌گونه ناخالصی در آن نیست خواهد نوشاند» (بروجردی، ۱۳۷۳: ۸/۵۱۴؛ بیضون، بی‌تا: ۲/۱۳۹؛ صافی، بی‌تا: ۲/۱۸۸). امان الهی؛ امام باقر (ع) فرمود: «بدرستی که خداوند تبارک و تعالی خنک کردن جگر داغ (و تشنه) را دوست می‌دارد و هر کسی جگر تشنه‌ای از چهارپایان و یا غیر آن را سیراب سازد، خداوند در روزی که هیچ سایه‌ای غیر از سایه‌اش نیست، او را زیر سایه عرش خود جای خواهد داد» (حرعاملی، بی‌تا: ۳۰/۴۰۹).

اهمیت آب در حشر مردم؛ امام صادق (ع) فرمود: «زمانی که خدای عزوجل اراده کرد مردم را برانگیخته کند، از آسمان چهل روز باران می‌بارد و تمام اعضاء انسان‌ها جمع شده و گوشت‌ها می‌روید» (عروسی، بی‌تا: ۳/۴۷۲؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۳ق: ۷/۳۳)، سوره‌های اعراف: ۵۷، فاطر: ۹، زخرف: ۱۱ و ق: ۱۱ بر مطلب فوق دلالت صریح دارد. از ابن عباس روایت شده است که: «خداوند غیر از زمزم همه آب‌های شیرین را پیش از قیامت بر می‌دارد» (راشدی، بی‌تا: ۱/۱۷۶؛ نویری، بی‌تا: ۱/۳۱۹؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۳ق: ۶۶/۴۵۱). این روایت با آیه "وَ إِذَا الْبَحَارُ سُجِّرَتْ" وقتی که دریاها افروخته گشت در اثر شعله‌ور بودن، تبخیر شده و از دسترس ساکنین روی زمین خارج می‌شود، هم‌خوانی دارد. دوست داشتنی‌ترین عمل؛ مردی از امام باقر (ع) پرسید: چه عملی معادل بنده آزاد کردن است؟ فرمود: «اگر سه نفر از مسلمان‌ها را دعوت نمایم و به آن‌ها غذا دهم تا سیر شوند یا آب دهم تا سیراب شوند برای من دوست داشتنی‌تر است از اینکه، بنده را آزاد کنم و بنده‌ای تا هفت و بیشتر را شمرم» (حرعاملی، بی‌تا: ۲۵/۲۵۴).

اولین سوال قیامت؛ امام صادق (ع) فرمود: «اولین چیزی که خداوند بندگان را به خاطر آن زیر سوال می‌برد، به او می‌گوید: آیا من از آب سرد و گوارا سیرایت نکردم» (کلینی رازی، ۱۳۶۵: ۱۲/۶۲۴؛ مجلسی دوم، بی‌تا: ۲۲/۲۲۹)؛ امام رضا (ع) از پدران بزرگوارش (ع) روایت می‌کند: «از علی (ع) درباره‌ی آیه مبارکه "ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ" سوال شد؟ قطعاً آن روز به خاطر نعمت‌هایی که زیر سوال می‌روید؛ فرمود رطب و آب سرد است» (ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ۱۰/۲۷۸). امام صادق (ع): «اولین چیزی که برای پرداخت اجر آن در آخرت شروع می‌شود

آب دادن است» (حرعاملی، بی تا: ۹/ ۴۷۲؛ کلینی رازی، ۱۳۶۵: ۴/ ۵۷). امام صادق (ع): «اولین پاداش روز قیامت، به صدقه دهندگان آب داده می شود» (مجلسی دوم، ۱۴۰۳ ق: ۹۶/ ۱۷۳).

پرهیز از منع آب؛ رسول خدا (ص) می فرماید: «روز قیامت خدا به سه کس نظر لطف نکند و پاکشان نگرداند و برایشان کیفر دردناکی است؛ از جمله کسی که در مسیر راه عمومی، آبی دارد ولی آن را از رهگذران مضایقه می کند» (قاضی نعمان مغربی، ۱۳۸۵ ق: ۲/ ۹۴؛ ابن حسین، بی تا: ۲/ ۴۷۷؛ نوری طبرسی، بی تا: ۱۱۵/ ۱۷). رسول الله (ص): «مردم را از سه چیز نمی توان نهی کرد یکی از آنها آب است» (امینی نجفی، بی تا: ۸/ ۲۳۴)؛ پیامبر (ص) و امام موسی کاظم (ع) فرمودند: «مسلمانان در آب و آتش و غذا شریک اند» (علامه حلی، ۱۴۰۰ ق: ۲/ ۴۰۳؛ قرشی، بی تا: ۱/ ۱۷۸؛ امینی نجفی، بی تا: ۸/ ۲۳۴). ابو بهیسه فزاری می گوید: پرسیدم: «ای پیامبر خدا، منع نمودن از چه چیزی حلال نیست؟ فرمود: آب و نمک» (ابن عبدالبر، بی تا: ۲/ ۲۱۳؛ مزی، بی تا: ۹/ ۴۱۹).

آب مقدمه واجب است؛ امام صادق (ع) فرمود: «اگر اراده پاکیزگی و وضو کردی، به سوی آب برو، همان طور که به رحمت خدا پیش می روی؛ پس به درستی که خدا آب را کلید نزدیکی و مناجات خود قرار داده و راهنمایی خدمتش نموده است. همان طور که رحمتش، گناهان بندگانش را پاک می کند، آب هم نجاسات ظاهر را پاک می کند، حضرت پس از استشهدا به دو آیه مبارکه فرمود: با آب همه نعمت های دنیا را زنده کرد، با رحمت و فضل خود همان آب را مایه حیات دل ها و اطاعتش قرار داده است. در شفافیت و نرمی آب و در پاکی و برکتش و مخلوط شدن سریع او با همه چیز تفکر نما و آن در تطهیر اعضایی که خدا به پاک شدنش دستور داده است مصرف نما! آداب و فرائض و سنت هایش را به جا بیاور، چون در زیر هر یک از آنها فایده های زیادی نهفته است، اگر با احترام به مصرف برسانی، به زودی چشمه های فوایدش برایت باز و گشوده می شود. با مخلوق خدا به گونه ای معاشرت نما، همچنان که آب با اشیاء مخلوط و ممزوج می شود و حق هر چیز را به او می رساند. اما از معنا و ماهیتش تغییر پیدا نمی کند، بنابراین رسول خدا (ص) فرموده است: مومن خالص مانند آب است پس صفای تو با خدای تعالی در تمام اطاعت های، مثل شفافیت آب باشد آن وقتی که از آسمان نازل می شود و آن را ظهور نامیده است. وقتی که اعضایت را با آب پاک می کنی، دل خود را نیز با آب تقوا و یقین پاک کن» (امام صادق (ع)، ۱۳۷۷: ۱/ ۸۷؛ خمینی، ۱۳۷۸: ۱/ ۴۳).

۲-۲-۳ اهمیت دنیوی آب در ادعیه

ائمه معصوم (ع) در ادعیه مختلف به اهمیت آب به عناوین مختلف همچون؛ عرش خدا بر روی آن قرار گرفتن، اولین مخلوق، گسترش زمین بر آب، خلقت انسان از آب، تسبیح آب، آب به عنوان عذاب و مجازات، آب به عنوان نمودی از قدرت خدا، خلقت آب، پاک کنندگی آب، آب به عنوان؛ بهترین نوشیدنی، طعام، دارو و درمان و... اشاره نموده اند که در ذیل به مواردی چند اشاره می شود.

از امام صادق (ع) در دعای روز عرفه آمده است: «سپاس خدائی را که عرش او بر آب بود در هنگامی که خورشید نورانی و ماه سیرکننده، دریای جریان یافته ای نبود، نه بادی می وزید و نه آسمانی برافراشته و نه زمین گسترده، وجود داشت» (مجلسی دوم، ۱۴۰۳ ق: ۵۷/ ۱۷۴). در دعای شب سه شنبه آمده: «پیش از آفرینش آسمان و زمین، نور و وقارت پیرامون عرش می چرخید در حالی که عرش تو بر آب قرار داشت» (مجلسی دوم، ۱۴۰۳ ق: ۵۷/ ۱۷۳).

در دعای شب پنجشنبه آمده است: «آفریدی مخلوقات را و هر چیزی را به مشیت در حالی که عرش تو بر روی آب بود» (مجلسی دوم، ۱۴۰۳ ق: ۵۷/ ۱۷۳).

در دعای وداع ماه رمضان آمده است: «سپاس و ستایش برای خدایی است که علما علمش را درک نکنند... و زمین را بر آب گسترش داد» (مجلسی دوم، ۱۴۰۳ ق: ۵۷/ ۱۷۳).

در دعای جوشن کبیر آمده است: «يَا مَنْ خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا»؛ ای آن که آدمی را از آب آفرید (قمی، ۱۳۹۲: ۱۶۴/ فصل ۸۴).

در دعای جوشن صغیر آمده است:

«الْهَى وَكَمْ مِنْ سَحَابٍ مَكْرُوهٍ جَلَبَتْهَا وَسَمَاءٌ نَعْمَةٌ مَطَرُهَا وَجَدَاوِلُ كَرَامَةٍ أَجْرِبَتْهَا وَأَعْيُنُ أَحْدَاثٍ طَمَسَتْهَا وَنَاشِيَةٌ رَحْمَةٌ نَشَرَتْهَا وَجَنَّةٌ عَافِيَةٌ أَلْبَسَتْهَا وَغَوَامِرُ كُرْبَاتٍ كَشَفَتْهَا وَأُمُورٌ جَارِيَةٌ قَدَرْتُهَا لَمْ تُعْجَزْ إِذْ طَلَبْتُهَا وَكَمْ تَمَنُّعٌ مِنْكَ إِذْ أَرَدْتُهَا فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي أُنَاةٍ لَا يُعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»؛ خدایا چه بسیار ابرهای نامایمات که از فضای زندگی ام زدودی و آسمان نعمتی که بر من باراندی و نهرهای کرامتی که به سوی من روان ساختی و چشمه های حوادثی که محو نمودی و نهال رحمتی که گستردی و زره عافیتی که بر من پوشاندی و گرداب های گرفتاری که برطرف کردی و امور جاریه ای که مقدر فرمودی، آن گاه که این امور را خواستی درمانده ات نکردند و هر زمان که آن ها را اراده فرمودی از فرمانبرداری خودداری نمودند، پس تو را سپاس ای پروردگار که توانای شکستناپذیری و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست (قمی، ۱۳۹۲: ۱۷۱).

«يَتَمَنَّى شَرِبَةً مِنْ مَاءٍ نَظَرَةً إِلَى أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهَا وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فَلَكَ الْحَمْدُ... الْهَى وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ فِي ظُلُمَاتِ الْبَحَارِ وَغَوَاصِفِ الرِّيَّاحِ وَالْأَهْوَالِ وَالْأَمْوَاجِ يَتَوَقَّعُ الْغَرَقَ وَالْهَلَكَ لَا يَقْدِرُ عَلَى حِيلَةٍ أَوْ مَبْتَلَى بِصَاعِقَةٍ أَوْ هَدْمٍ أَوْ حَرَقٍ أَوْ شَرَقٍ أَوْ خَسْفٍ أَوْ مَسْخٍ أَوْ قَذْفٍ وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي أُنَاةٍ لَا يُعْجَلُ»؛ جرعه آبی را آرزو می کند یک نگاه به اهل و

فرزندش را تمنا می‌نماید، اما توانی بر آن را ندارد و من از همه این‌ها در سلامت کاملم، تو را پس سپاس... خدای من و چه بسیار بنده‌ای که به شامگاه و صبحگاه در آید، در تاریکی‌های دریاها و تندبادهای و در دل هراس‌ها و امواج در حالی انتظار غرق شدن و هلاکت را می‌کشد و توان چاره‌اندیشی ندارد یا گرفتار صاعقه یا آوار یا آتش‌سوزی یا گلوگیر شدن لقمه یا فرو رفتن در زمین یا مسخ شدن یا اتهام به امر نامشروع است و من از همه این‌ها در سلامت کاملم، پس تو را سپاس ای پروردگار توانای شکست‌ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی (قمی، ۱۳۹۲: ۱۷۴).

در دعای گشایش و فرج آمده است: «أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ سَوَادُ اللَّيْلِ وَ نُورُ النَّهَارِ وَ ضَوْءُ الْقَمَرِ وَ شُعَاعُ الشَّمْسِ وَ حَفِيفُ الشَّجَرِ وَ دَوِيُّ الْمَاءِ»؛ تویی آن که سیاهی شب و روشنی روز و پرتو ماه و شعاع خورشید و وزش باد در درخت و صدای آب برایست سجده کرد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۴۳).

در دعای عشرت آمده است: «وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ أَوْزَانِ مِيَاهِ الْبَحَارِ»؛ و تو را سپاس به میزان وزن آب‌های دریا (قمی، ۱۳۹۲: ۱۱۶). در شرح دعای سمات آمده است: «وَيَوْمَ قَرَعْتَ لِبْنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ، وَ فِي الْمُنْبَجَسَاتِ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ فِي بَحْرِ سُوفٍ وَ عَقَدْتَ مَاءَ الْبَحْرِ فِي قَلْبِ الْعَمْرِ كَالْحِجَارَةِ وَ جَاوَزْتَ بَيْنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ... وَ أَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَ جُنُودَهُ وَ مَرَكَبَهُ فِي الْيَمِّ»؛ و روزی که دریا را برای بنی اسرائیل شکافتی و در چشمه‌های جوشنده که با آن شگفتی‌هایی در دریای سوف بر ساختی و آب دریا را در دل گرداب همانند سنگ سخت بستی و بنی اسرائیل را از دریا به خشکی رساندی فرعون و سپاهیان و مرکب‌هایش را در دریا غرق کردی (قمی، ۱۳۹۲: ۱۱۶).

در دعای یستشیر آمده است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ الْمُدَبِّرُ بِلَا وَزِيرٍ وَ لَا خَلْقٍ مِنْ عِبَادِهِ يَسْتَشِيرُ الْأَوَّلَ غَيْرَ مَوْصُوفٍ [مَصْرُوفٍ] وَ الْبَاقِيَ بَعْدَ فَنَاءِ الْخَلْقِ الْعَظِيمِ الرَّبُّوْبِيَّةِ نُورِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ [و قَاطِرُهُمَا وَ مُبْتَدِعُهُمَا بِغَيْرِ عَمَدٍ خَلَقَهُمَا وَ فَتَقَهُمَا فَنَقًا فَقَامَتِ السَّمَاوَاتُ طَائِعَاتٍ بِأَمْرِهِ وَ اسْتَقَرَّتِ الْأَرْضُونَ بِأَوْتَادِهَا فَوْقَ الْمَاءِ]»؛ ستایش خدا را که معبودی جز او نیست، آن فرمانروای بر حق آشکار، تدبیرگر هستی، بی‌آنکه او را وزیری باشد و یا با آفریده‌ای از بندگانش مشورت نماید، آغازی است که در وصف ننگد و پا برجاست پس از فناء آفریدگان، پروردگاری‌اش بس بزرگ است، روشنایی آسمان‌ها و زمین‌ها و آفریننده و پدیدآورنده آن دو است، آسمان و زمین را بی‌ستون آفرید و از هم گشودشان گشودنی چشم‌گیر، پس آسمان‌ها به فرمان او بر پا شدند و زمین‌ها با کوه‌هایشان بر فراز آب جا گرفت (قمی، ۱۳۹۲: ۱۳۱).

در شرح زیارت رجیبیه آمده است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدْنَا مَشْهَدًا أَوَّلِيَّائِهِ فِي رَجَبٍ... وَ دَوَامِ الْأَكْلِ وَ شَرْبِ الرَّحِيقِ وَ السَّلْسَلِ [السَّلْسَبِيلِ] وَ عَلٍّ وَ نَهْلٍ لَا سَاءَ مِنْهُ وَ لَا مَلَلٌ وَ رَحْمَةً اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ»؛ سپاس خدا را که ما را در ماه رجب در محضر اولیایش حاضر کرد... و خوردنی‌های مداوم و نوشیدن شراب طهور و آب گوارا، نوشیدن چند بار و یک‌بار، که از نوشیدنش خستگی و ملالی دست ندهد و رحمت خدا و برکات و تحیاتش بر شما (قمی، ۱۳۹۲: ۲۲۸).

در اعمال روز مبعث چنین دعایی نقل شده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَ مَنَاهِلَ الرَّجَاءِ لَدَيْكَ مُتَرَعَةً خَدَايَا!»؛ من راه‌های خواهش را به سوی تو باز می‌یابم و چشمه‌سارهای امید نزد تو پر آب است (قمی، ۱۳۹۲: ۲۵۱). تسبیحات و صلوات هر روز ماه رمضان آمده است: «سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ... وَ يَنْزِلُ الْمَاءُ مِنَ السَّمَاءِ بِكَلِمَتِهِ»؛ منزه است خدای آفریننده هر تنفس‌کننده... و با فرمانش آب را از آسمان نازل می‌کند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۵۱). اعمال شب و روز اول ماه محرم: «أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ سَوَادُ اللَّيْلِ وَ نُورُ النَّهَارِ وَ ضَوْءُ الْقَمَرِ وَ شُعَاعُ الشَّمْسِ وَ دَوِيُّ الْمَاءِ وَ حَفِيفُ الشَّجَرِ»؛ تویی که برایست سجده کرد، سیاهی شب و روشنی روز و تابش ماه و شعاع خورشید و خروش آب و صدای برگ درختان (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۰۱).

زیارت امیرالمومنین (ع) در روز میلاد پیغمبر(ص): «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَنْجَى اللَّهُ سَفِينَةَ نُوحٍ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَخِيهِ حَيْثُ التَّطَمَّ الْمَاءُ حَوْلَهَا وَ طَمَى»؛ سلام بر تو ای که خدا کشتی نوح را به اسم او و برادرش نجات داد، آنجا که آب در پیرامونش به خروش آمد و لبریز شد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۰۲).

حمد خدای را که آفریننده بندگان و گستراننده زمین و جاری‌کننده آب در زمین‌های گود است (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: خ ۱۶۲) دعای رؤیت آب: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَ لَمْ يَجْعَلْهُ نَجَسًا»؛ ستایش خدای را که آب را پاک‌کننده قرار داد و آن را ناپاک نگرداند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۰۳).

دعایی که موقع نوشیدن آب خوانده می‌شود، این دعا است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ مُنْزِلِ الْمَاءِ مِنَ السَّمَاءِ مَصْرَفَ الْأَمْرِ كَيْفَ يَشَاءُ بِسْمِ اللَّهِ خَيْرَ الْأَسْمَاءِ»؛ ستایش سزوار خدائست، که نازل‌کننده آب، از آسمان و هر طور که خود بخواهد گرداننده کارهاست، به نام خدا که بهترین نام‌ها است (طبرسی، ۱۳۷۰: ۱/ ۱۵۱؛ نوری طبرسی، بی‌تا: ۱۷/ ۱۲). امام صادق (ع) فرمود: «رسول خدا وقتی که آب می‌نوشید، می‌گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَقَانَا عَذْبًا زَلَالًا وَ لَمْ يَسْقِنَا مِلْحًا أَجَاوًا وَ لَمْ يُوَاخِذْنَا بِذُنُوبِنَا»؛ ستایش خدایی راست که ما را با آب خنک و گوارا، سیراب کرد و به خاطر گناهانمان، ما را نه گرفت» (حرعاملی، بی‌تا: ۲۵/ ۲۵۰؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۳: ۶/ ۴۷۵). در دعای دیگر از امام صادق (ع) آمده: «الْحَمْدُ لِلَّهِ

الَّذِي سَقَانِي فَأَرْوَانِي وَاعْطَانِي فَارْضَانِي وَعَافَانِي وَكَفَانِي، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ تَسْقِيهِ فِي الْمَعَادِ مِنْ حَوْضِ مُحَمَّدٍ وَتُسَعِّدُهُ بِمَرَأَقَتِهِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ تمامی ستایش‌ها، خدایی راست که با آب سیراب نمود و با عطای خود راضی ساخت، مرا عافیت داده و کفایت کرد، خدا! مرا از زمره کسانی قرار ده که در روز قیامت از حوض محمد (ص) سیراب می‌کنی و با رفاقت او سعادتمندش می‌نمایی با رحمت خود ای برترین رحم‌کنندگان» (رازی، بی‌تا: ۱۰/۳۳۳۴؛ نوری طبرسی، بی‌تا: ۱۷/۱۳). داود رقی گوید: نزد امام صادق (ع) بودم آب می‌خواست، پس از نوشیدن آب دیدم چشمانش پر از اشک گردید، فرمود: «ای داود! خدا قاتل حسین را لعنت کند! یادآوری حسین چقدر عیش‌ها را تلخ کرده است، من آب سردی ننوشیده‌ام مگر اینکه حسین را بیاد آورده‌ام. هر بنده‌ای، حسین و اهل بیت او را بعد از نوشیدن آب یاد آورده و بر قاتل او لعن کند، خدای عزوجل یکصد هزار حسنه برای او می‌نویسد و یکصد هزار سیئه گناه از او محو می‌کند و یکصد هزار درجه او را بلند می‌کند و مثل کسی می‌باشد که یکصد هزار بنده، در راه خدا آزاد کرده باشد و روز قیامت با دل خنک، مطمئن و آرام محشور خواهد شد» (حرعاملی، بی‌تا: ۲۵/۲۷۲؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۳ق: ۶۶/۴۴۶؛ ابن‌قولویه، بی‌تا: ۱/۱۰۶؛ شعیری، بی‌تا: ۱/۱۷۷).

۲-۲-۴) اهمیت دنیوی آب در معجزات پیامبر (ص)

درباره‌ی اهمیت آب در دین اسلام همین بس که معجزات متعدد پیامبر (ص) درباره‌ی آب است همانگونه که معجزات پیامبران بزرگی چون موسی (ع) شکافتن دریا و تبدیل نمودن خون به آب و... بوده است این موضوع نشان از اهمیت آب در دوره‌های مختلف تاریخ بشری دارد. درباره‌ی معجزات پیامبر (ص) درباره‌ی آب می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

امیرمؤمنان (ع) در جواب یهودی که مانند معجزات انبیاء سلف را درخواست می‌کرد فرمود: «پیغمبر وقتی که در حدیبیه فرود آمد، اهل مکه آن حضرت را محاصره کرده بودند، اصحاب از تشنگی شدید به حضرت شکایت کردند به گونه‌ای که اسب‌ها نیز ناتوان شده بودند، حضرت رکوه یمانی را خواست و دست مبارکش را روی آن گذاشت، از میان انگشتانش آب شکافته و جاری شد به طوری که همه لشکریان و اسب‌ها سیراب شدند و ظرف‌ها را پر کردند» (طبرسی، ۱۴۲۱ق: ۱/۲۱۹). روایت شده پیامبر (ص) همراه کاروان تجاری خدیجه به شام می‌رفت و به بیابانی رسیدند که از زمان‌های قدیم آب داشت، ولی بر خلاف انتظار، آب پیدا نکردند، چون قافله ابوجهل جلوتر از حضرت می‌رفت، دستور داده بود چاه را پر کنند؛ پیغمبر آستین‌ها را بالا زده و دستانش را در ریگ فرو برد و چشمانش را به آسمان دوخت و لب‌های مبارکش را حرکت داد، ناگهان آب از میان انگشتانش جوشیده و فوران کرد؛ به طوری که مانند نه‌های بزرگ بر روی زمین جاری شد؛ عباس به پیغمبر (ص) گفت: ای برادر زاده! جلوی آب را بگیر، نزدیک است اموال و اثاث ما غرق شود، همگی آب نوشیدند و مشک‌هایشان را پر کردند (مجلسی دوم، ۱۴۰۳ق: ۱۶/۳۸). در روایت ابی‌قتاده است: «که در جنگ بنی‌المصطلق وقتی که دست مبارکش را به رکوه گذاشت از میان انگشتانش آب شکافته شد، آن همه لشکر عظیم، سیراب شده و به همراه خود برداشتند» (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۶ق: ۱/۹۲؛ مجلسی - دوم، ۱۴۰۳ق: ۱۸/۳۸). روایت است: «رسول‌الله (ص) در مسیر جنگ تبوک به وادی المشقف رسیدند، دست مبارکش را زیر آبی گرفت که قطره قطره می‌ریخت، سپس آب شکافته شد به گونه‌ای که مانند صاعقه صدای مهیب، از او شنیده می‌شد مردم آب آشامیدند و به اندازه احتیاج آب برداشتند پس حضرت فرمود: اگر کسی از شماها عمر کند، می‌شوند که این بیابان از آبادترین بیابان‌ها خواهد بود» (قزوینی، ۱۳۷۳: ۹۰؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۳ق: ۱۸/۳۸).

از امام صادق (ع) از پدران بزرگوارش از علی (ع) نقل شده است که فرمود: «در یکی از جنگ‌ها همراه پیغمبر (ص) بودیم به جایی که آب پیدا نمی‌شد رسیدیم مردم تشنه شدند در یک ظرف کمی آب بود، انگشتانش را بر آب گذاشت و آب از آن جاری شد، به طوری که همه مردم و شتران و اسبان سیراب شدند و به همراه خود برداشتند، در لشکر دوازده شتر و دوازده هزار اسب و سی هزار مرد بودند» (راوندی، بی‌تا: ۲/۵۰۹؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۳ق: ۱۸/۲۵). امیرمؤمنان (ع) به یهودی فرمود: «روز میضاه عبرتی برای منکرین نبوتش مانند سنگ موسی (ع) وقتی که میضاه را خواست، دست به آن گذاشت، آب جوشید بالا آمد تا اینکه هشت هزار نفر از آب آن، وضو گرفتند و نوشیدند و چهارپایان را سیراب کرد و به همراه خود به اندازه کافی برداشتند» (عاملی، بی‌تا: ۲۳/۱۰۴؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۳ق: ۱۷/۲۸۶).

سالم بن ابی جعد گوید: «به جابر گفتم روز شجره چند نفر بودید، گفت هزار و پانصد نفر، ما را تشنگی فرا گرفت، حضرت دستش را توی ظرف کوچکی گذاشت، از میان انگشتانش مثل چشمه‌ها آب بیرون می‌آمد، نوشیدیم و به ما کفایت کرد، اگر صد هزار نفر بودیم باز کفایت می‌کرد» (شرف‌کاشانی، بی‌تا: ۶/۳۷۱؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۳ق: ۱۷/۲۸۶).

روایت است که قومی به پیامبر (ص) از شوری ایشان شکایت کردند، به سر چاه آن‌ها آمد و آب دهان مبارکش را انداخت و با اینکه آب آن چاه کم بود آب شیرین و گوارا جوشید، تا الآن آن چاه در دست وارثان آن است، و اهل آن از بزرگترین مکارم و افتخارات خود می‌شمارند و این چاه در مکه در محلی به نام الزاهر و اسم آن العسیله است امروز که شهر توسعه زیادی یافته یکی از محلات مکه می‌باشد و از آن چیزهایی که خداوند در راستی و حقیقت پیغمبرش آشکار ساخت این بود که: قوم مسیلمه کذاب دروغین یمامه هنگامی که این جریان را شنیدند از او مانند آن معجزه را درخواست کردند به کنار چاهی آمد و آب دهان انداخت، آب به صورت تلخ و شور مانند بول حمیر در آمد، آن هم در میان مردم آنجا معروف و محلش معلوم است (ماوردی، بی‌تا: ۱/۱۰۶؛ دیارالبکری، بی‌تا: ۱/۲۲۱).

روایت است: «پیغمبر (ص) به سوی خیبر حرکت کرد، ناگهان به وادی رسیدند که سیل جاری بود و اندازه ارتفاع آب به چهارده قامت می‌رسید و دشمن از پشت سرشان می‌آمد، مردم گفتند: ما را گیر می‌اندازند گیر افتادیم فرمود: ابداً! حضرت دعا کرد شتران و اسبها از آب عبور کردند حتی پاها و سم‌هایشان نمدار نشد» (مجلسی دوم، ۱۴۰۳ق: ۱۷/۲۵۴).

۵-۲-۲) اهمیت دنیوی آب در امر حکومتی

در عهدنامه مکتوب از امام علی(ع) برای مالک اشتر نخعی آمده است: «اگر مالیات‌دهندگان از سنگینی مالیات، یا برخورد به آفات یا خشک شدن چشمه‌ها یا کمی باران یا تغییر زمین بر اثر آب گرفتگی یا بی‌آبی شکایت کنند، مالیات را به اندازه‌ای که اوضاع آنان بهبود یابد تخفیف ده» (رضی، ۱۳۷۹: ن ۵۳).

۶-۲-۲) اهمیت دنیوی آب در اقتصاد

امام صادق (ع) از پدر بزرگوارش و آن حضرت از امام علی (ع) نقل می‌فرماید: «هر کس آب و خاک داشته باشد ولی فقیر باشد خداوند او را (از رحمتش) دور کند» (حرعاملی، بی‌تا: ۱۲/۲۴؛ فلسفی، بی‌تا: ۱/۴۶؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۷: ۱/۱۷۳).

نتیجه

اهمیت آب در فقه را می‌توان در دو دسته متفاوت بررسی نمود ابتدا در دستورات فقهی شامل عبادات که خود عبادات شامل کتاب طهارت، کتاب صلاه، کتاب صوم، کتاب امر به معروف و نهی از منکر، کتاب حج و عمره، کتاب خمس، کتاب جهاد؛ در بحث عقود که شامل؛ کتاب تجارت، کتاب مزارعه و مساقات، کتاب اجاره، کتاب وقف و صدقات، کتاب نکاح، کتاب ضمان، کتاب رهن، صلح، کتاب جعاله؛ در بحث ایقاعات کتاب نذر و در بحث احکام کتاب صید و ذباجه، کتاب اطعمه و اشربه، کتاب غصب، کتاب احیاء موات؛ از موارد دیگر اهمیت آب در فقه را می‌توان در ادله‌ی فقهی یعنی کتاب و سنت یافت به این ترتیب با توجه به این حجم از توجه این علم مکلفین باید با انجام وظایف شرعی خود در حفظ این منبع حیاتی کوشا باشند و با اصلاح خود زمینه اصلاح فرهنگ جامعه را فراهم آورند.

منابع

قرآن کریم

- امام صادق (ع)، امام ششم جعفر بن محمد (ع)، شرح (ترجمه) مصباح الشریعة، تهران، انتشارات پیام حق، ۱۳۷۷.
- ابن اثیر، عزالدین، اسدالغابه، بی جا، بی تا.
- ابن ادریس حلی، محمد بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، بی جا، بی تا.
- ابن براج طرابلسی، عبد العزیز، المهذب، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۶ق.
- ابن حسین، یحیی، الأحکام، بی جا، بی تا.
- ابن داود حلی، حسن بن علی، الجوهره فی نظم التبصره، تهران، مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، نجف اشرف، مکتبه والمطبعة الحیدریه، ۱۳۷۶ق.
- ابن طی فقعانی، علی بن علی، الدر المنضود فی معرفه صیغ النیات و الإیقات و العقود - رساله فی العقود و الإیقات، قم، مکتبه امام العصر (عج) العلمیه، ۱۴۱۸ق.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، بی جا، بی تا.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، بی جا، بی تا.
- آراکی، محمد علی، توضیح المسائل، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱.
- آستریادی، محمد جعفر، البراهین القاطعه، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۴۲۴ق.
- آمین نجفی، عبدالحسین، الغدیر، بی جا، بی تا.
- أنصاری، محمد علی، الموسوعه الفقهيّه الميسره، بی جا، بی تا.
- آملی، میرزا محمد تقی، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، تهران، مولف، ۱۳۸۰.
- بحرانی موسوی توبلی، سید هاشم، غایه المرام وحجّه الخصام فی تعیین الإمام، بی جا، بی تا.
- بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
- بروجردی، سید حسین، جامع أحادیث الشیعه، قم، صف، ۱۳۷۳.
- بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه، قرآن و مقالات طب، مشهد، مؤسسه انتشاراتی بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه، دانشگاه شاهد، ۱۳۸۵.
- بهبانی، محمد علی، مقام الفضل، بی جا، بی تا.
- بهجت گیلانی فومنی، محمد تقی، جامع المسائل (بهجت)، قم، دفتر معظم له، ۱۴۲۶ق.
- بیهقی کیدری، قطب الدین، اصباح الشیعه بمصباح الشریعه، قم، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، ۱۴۱۶ق.
- بیضون، د. لیب، موسوعه کربلاء، بیروت، مؤسسه الأعلمی، بی تا.
- ثعلبی، محمد بن عاشور، تفسیر الثعلبی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه - ط الإسلامیه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- حسینی شیرازی، محمد، الفقه و البيئته، بیروت، مؤسسه الوعي الاسلامی، ۱۴۲۰ق.
- حسینی عاملی، سید محمد جواد، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامة للفقيه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، بی تا.
- حلی، یحیی بن سعید، جامع للشرایع، بی جا، ۱۴۰۵ق.
- حلی، یحیی بن سعید، نزهة الناظر فی الجمع بین الأشباه و النظائر، قم، منشورات رضی، ۱۳۹۴ق.
- حیدری نراقی، علی محمد، اسراف از دیدگاه دین و دانش، قم، انتشارات مهدی نراقی، ۱۳۸۸.
- خزعلی، أبوالقاسم، موسوعه الإمام العسکری (ع)، قم، مؤسسه ولی العصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، بی تا.
- خمینی و سایر مراجع، سید روح الله الموسوی، رساله توضیح المسایل (مراجع)، گردآورنده: محمد حسن بنی هاشمی خمینی و احسان اصولی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
- خمینی، سید روح الله الموسوی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، استفتائات للإمام الخمينی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۲.
- خمینی، سید روح الله الموسوی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، تحریر الوسيله (ترجمه فارسی)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۵.

- خمینی، سید روح الله الموسوی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، سر الصلاة (معراج السالکین و صلاة العارفين)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۸.
- خوانساری، سید احمد، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۵ق.
- دیار البکری، حسین، تاریخ الخميس فی أحوال أنفس النفیس، بیروت، دارالصادر، بی تا.
- رازی، ابن ابی حاتم، تفسیر ابن ابی حاتم محققا، بی جا، بی تا.
- راشدی، قاسم بن یحیی، آداب امیرالمؤمنین (ع) المشهور بحديث الأربعمئة، به تحقیق: مهدی خدّامیان آرانی، بی جا، بی تا.
- راوندی، قطب الدین، الخرائج والجرائح، قم، مؤسسه الامام المهدی علیه السلام، بی تا.
- رضی، محمد بن حسین شریف، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور، ۱۳۷۹.
- زحلی، وهبه بن مصطفی، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، بیروت، دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۸ق.
- سبزواری، سید عبدالاعلی، مذهب الاحکام فی بیان حلال و الحرام، قم، دارالتفسیر، بی تا.
- شریف کاشانی، فتح الله بن شکر الله، زبدة التفاسیر، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة، بی تا.
- شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، نجف، مطبعة حیدریة، بی تا.
- شهید اول، محمد بن محمد مکی عاملی، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشّی - سلطان العلماء)، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیة، بی تا.
- شیخ بهایی، محمد بن حسین، جامع عباسی و تکمیل آن (محشّی، ط - جدید)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۹ق.
- صافی، لطف الله، هداية العباد، بی جا، بی تا.
- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه، ۱۴۱۷ق.
- طباطبایی حکیم، سید محمد سعید، حواریات فقهیة، بیروت، مؤسسه المنار، ۱۴۱۶ق.
- طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
- طباطبائی قمی، سید تقی، مبانی منهاج الصالحین، قم، منشورات قلم الشرق، بی تا.
- طباطبائی مجاهد، سید محمد، کتاب المناهل، بی جا، بی تا.
- طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الإحتجاج، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۱ق.
- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، شریف رضی، ۱۳۷۰.
- طحاوی، احمد بن محمد، شرح معانی الآثار، بیروت: چاپ محمد زهری نجار و محمد سید جادالحق، ۱۴۱۴ق.
- طوسی، محمد بن حسن، الخلاف فی الأحکام، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، بی تا-الف.
- طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، مکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷.
- طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیة، بی تا-ب.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام فی شرح المقنعه، بیروت: دارالتعارف، ۱۴۰۱ق.
- عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره الإمام علی (علیه السلام)، بی جا، بی تا-ب.
- عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، قم، موسسه علمی فرهنگی دار الحديث، بی تا-الف.
- عروسی، عبد علی، تفسیر نور الثقلین، بی جا، بی تا.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیا التراث، ۱۴۰۰ق.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۴۱۲ق.
- علم الهدی شریف مرتضی، علی بن حسین، مسائل الناصریات، بی جا، بی تا.
- غروی، محمد، السلام فی القرآن و الحديث، بیروت، دارالأضواء، بی تا.
- فاضل قطیفی، إبراهیم بن سلیمان بحرانی، السراج الوهاج، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، بی تا.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبد الله سیوری حلّی، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - ره، ۱۴۰۴ق.
- فاضل موحّدی لنکرانی، محمد، اصول فقه شیعه، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، ۱۳۸۱.

- فاضل موحدی لنکرانی، محمد، جامع المسائل، قم، امیر، ۱۳۸۳.
- فلسفی، محمد تقی، الطفل بین الوراثة والتربية، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، بی تا.
- قاضی نعمان مغربی، نعمان بن محمد تمیمی، دعائم الإسلام، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۳۸۵ ق.
- قرشی، باقر شریف، الرسول الاعظم صلی الله علیه و آله و سلم مع خلفائه، بی جا، بی تا.
- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود، آثار البلاد وأخبار العباد، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳.
- قطان حلی، محمد بن شجاع، معالم الدین فی فقه آل یاسین، بی جا، بی تا.
- قمی، عباس، مفاتیح الجنان، مترجم الهی قمشه ای، قم: انتشارات ظهور، ۱۳۹۲.
- قمی، عباس، الغایة القصوى، تهران، انتشارات المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، بی تا- الف.
- کاشف الغطاء، جعفر، کشف الغطاء عن مبهات الشريعة الغراء، قم، مرکز النشر التابع لمكتب الاعلام الاسلامی، بی تا.
- کلینی رازی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- مامقانی، محمد حسن، غایة الآمال فی شرح کتاب المکاسب، قم، مجمع الذخائر الإسلامية، بی تا.
- ماوردی، علی بن محمد، اعلام النبوه (للماوردی)، بی جا، بی تا.
- متقی نیکو، فرشاد، آیه های آب، تهران، سامان دانش، ۱۳۹۳.
- مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، بیست و پنج رساله فارسی، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی قدس سره، ۱۴۱۲ ق.
- مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
- محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
- محقق سبزواری، محمد باقر، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، بی تا.
- محقق کرکی، علی بن حسین بن عبد العالی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، بیروت، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۰ ق.
- محقق کرکی، علی بن الحسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، بی تا.
- محقق اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفایده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ق.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، المختصر النافع فی فقه الامامیه، قم: مؤسسه مطبوعات دینی، ۱۴۱۸ ق.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تهران: استقلال، ۱۴۰۹ ق.
- مزى، جمال الدین، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، بی جا، بی تا.
- مغربی، نعمان بن محمد تمیمی، دعائم الإسلام، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۳۸۵ ق.
- مکارم شیرازی و همکاران، ناصر، مفاتیح نوین، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۸۹.
- مکارم شیرازی، ناصر، از تو سوال می کنند (مجموعه سوالات قرآنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله)، قم، امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۷.
- مؤسسه البعثه، الطفل نشوؤه و تربیته، قم، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۰ ق.
- میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن، جامع الشتات فی أجوبة السؤالات، بی جا، بی تا.
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، دارإحياء التراث العربی، بی تا.
- نراقی، محمد مهدی بن ابی ذر، جامع السعادات، بیروت، اعلمی، بی تا.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعه فی أحكام الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۵ ق.
- نراقی، محمد بن احمد، مشارق الأحكام، قم، کنگره نراقیین ملا مهدی و ملا احمد، ۱۴۲۲ ق.
- نوری همدانی، حسین، توضیح المسائل (فارسی)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.
- نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، بی تا.
- نوبری، احمد بن عبدالوهاب، نهاییه الارب فی فنون الادب، بی جا، بی تا.